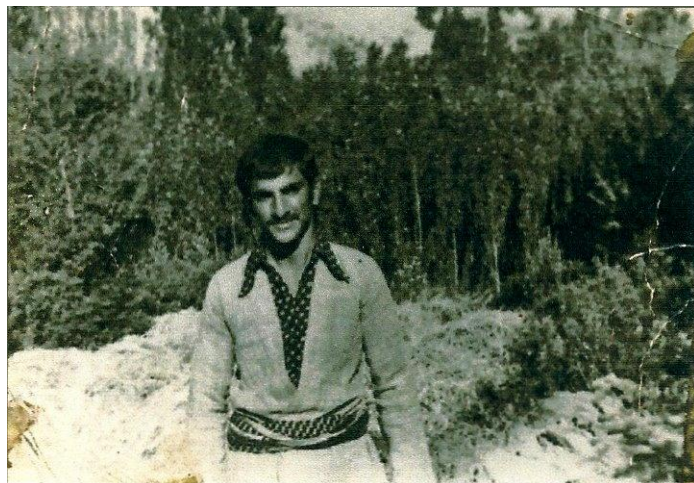


یاد نامه‌ی احمد مصطفی سلطانی !

تهیه و تنظیم : جعفر و بختیار مصطفی سلطانی



صداقت، تواضع ، فروتنی ، دلسوزی و یگانگی از خصلت های بارز و نیکو و ارزشمند جانباخته کاک احمد بود .

در فاصله‌ی شب تاریک و سپیده‌ی صبحدم ، همیشه ستاره‌های روشن و سرخ طلوع میکند و میدرخشد !

دوران ابتدائی:

کاک احمد سال ۱۳۳۷ شمسی در روستای آلمانه ، که در منطقه‌ی اورامان و مریوان واقع شده و قرار گرفته ، در خانواده‌ای متوسط متولد گردید . کاک احمد فرزند ارشد عزت بیگ مصطفی سلطانی و خاتون آمینه‌ی فتح الهی می باشد . دوران تحصیلات ابتدائی را با موفقیت در همان روستای آلمانه بپایان رساند . بعد از دوران تحصیلات ابتدائی، پدر و مادرم همه‌ی شرایط و امکانات لازم را در شهر مریوان تدارک دیده تا کاک احمد بتواند در مریوان به تحصیل ادامه دهد . در این راستا و بخاطر ادامه‌ی تحصیل، کاک احمد آلمانه را بقصد مریوان جا گذاشت . و دوران سخت و دشوار غربیی و دوری از کانون گرم خانواده و پدر و مادر و اقوام شروع گردید . اگرچه پدر و مادرم صاحب چند پسر بودند اما، کاک احمد موقعیت و مکان و احترام ویژه‌ای در میان خانواده داشت .

تحصیلات دوران دبیرستان!

اگر چه شهر مریوان با روستای آلمانه فاصله‌ی چندانی نداشت ، اما با تمام تفصیل تار و پود غریبی و دوری از کانون پر از محبت و عاطفه‌ی خانواده احساس میگردید و بدون اغراق تحمل شرایط جدید برای کاک احمد آسان نبود . همین مقوله و شرایط و دوری از مهر و عاطفه‌ی خانواده و اقوام نزدیک ، در زندگی و دوران تحصیل دبیرستان و احساسات و غرایز هر فردی و از جمله کاک احمد تاثیر گذار بود .

کاک احمد در جوار تلاش های شبانه‌روزی و سعی و کوشش در امر تحصیل و فراگیری علوم و دانش و انجام وظایف روتین زندگی ، دوران دبیرستان را با موفقیت و نمرات جالب در شهر مریوان طی نمود . بعد از اخذ مدارک دبیرستان ، کاک احمد خود را برای شرکت در دوره‌ی دانشسرای معلمان در شهر سقز آماده نمود . در همین راستا در دانشسرای معلمان و در شهر سقز پذیرفته گردید .

ادامه‌ی تحصیل در شهر سقز!

کاک احمد شغل معلمی را بعنوان ابزار و سنگر مهمی ، که آرزوها و تصمیم قاطعش را بر آورد میکرد و با تمایلات فکری و اندیشه و باورهای سیاسی منطبق بود و همخوانی داشت برگزید . برای رسیدن به این اهداف و ادامه‌ی تحصیل بسوی غربتی دیگر و به شهر سقز رفت . شهر سقز محیط ناآشنا و مختصات دیگری داشت و کاک احمد توانست در کمترین زمان ممکن، خود را با شرایط تازه تطبیق نموده و سازگار کند . در دانشسرای معلمان سقز پذیرفته شد . در آنجا نیاز به تلاش و کوشش شبانه‌روزی بود که کاک احمد در این زمینه کم نیاورد و مدتی نگذشت که استعداد و توانائی های خویش را نشان داد .

کاک احمد برای رسیدن به اهدافش، تلاش و زحمات فراوانی را تحمل کرد . و در این پروسه گام به گام امتحاناتش را برگزار نمود . سپس موفق به کسب دیپلم با معدل شایسته‌ای گردید . با دوستان صمیمی و همفکرانش و با تفکرات تازه و مسایل سیاسی و اجتماعی آشنا گردید .

بحث ها و دیالوگ و مبادله افکار جدید ، در محافل و گروه‌های کوچک این شهر برای کاک احمد جاذبه‌ی خاصی داشت .

کاک احمد از این محافل و بحث‌ها استقبال شایانی نمود. بینهایت به خواندن کتاب‌های نفیس و ارزشمند علاقه داشت. در این رهگذر کتاب‌های آقایان صمد بهرنگی و علی اشرف درویشیان و ترجمه‌های شاهکارهای جهانی که توسط آقایان: محمد قاضی و ابراهیم یونسی آماده شده بودند مطالعه کرد و خواند. خواندن و مطالعه‌ی این کتاب‌ها و پیام‌هایشان بر سمت و سوی فکری کاک احمد به شیوه‌ای مستقیم تاثیرگذار بود. و مجموعه فاکتورهای دیگر اجتماعی و سیاسی و ستم ملی و طبقاتی کاک احمد را بسوی تولید کنندگان نعمات و ثروت وسامان جامعه‌ی بشری، یعنی تهیدستان و رنجبران نزدیک تر نمود.

معلمی آگاه در منطقه‌ی مریوان!

کاک احمد پس از اخذ دیپلم معلمی در دانشسرای سقز، در جهت اهداف سیاسی و اجتماعی و بر اساس آرزوی شخصی خویش در روستای آلمانه مدتی به کودکان و نوجوانان تدریس نمود. سپس در روستای "دهری" واقع در حومه‌ی مریوان بعنوان آموزگار استخدام گردید. در همین روستا به فعالیت‌های سیاسی و روشنگری توده‌ها و تدریس علوم به دانش‌آموزان مشغول گشت. در کمترین زمان ممکن صاحب اتوریته و نفوذ اجتماعی گردید. توانائی‌ها و خلاقیت خویش را در میان رنجبران روستا بنحو احسن نشان داد و بهمین خاطر جایگاه ویژه‌ای به او داد. از محبوب‌ترین معلمان مریوان بود و با دانش‌آموزان بعنوان مشاور و معلمی دلسوز ظاهر گشت. کاک احمد جوانی با خصایل نیکو، خوش تیپ، قد بلند، متواضع، صلح طلب، خوش خط بود. او دلی به بزرگی دریا داشت. در مراسم‌ها و محافل دوستانه و در عروسی‌ها آوازهای کلاسیک و سنتی و فلکلور را میخواند. دوستان و رفقاییش را از میان تهیدستان و مردم فقیر انتخاب میکرد. محبوبیت و احترامش در میان رنجبران به سطحی رسیده بود که دختران آن روزگار و مادران امروز او را "احمد برادر" خطاب میکردند. خصوصاً دختران و زنان به کاک احمد اعتماد فراوانی داشتند. کاک احمد به گردش و کوهنوردی در کوهستانها و قله‌های بلند علاقه‌ی فراوان داشت. در این راستا با دوستان و رفقاییش گاه و بیگاه به گردش در کوهستان‌ها و سیاحت و کوهنوردی می پرداخت. دو بار همراه جوانان خانواده و بمدت سه شبانه‌روز در کوهستان‌های، کوپه‌ی میانه، پیازه، چالو، سه‌رچوهر و قه‌له‌به‌رد در راه‌پیمائی کوهستانها و کوهنوردی شرکت نمود.

در جریان تلاش و کار سیاسی ارتباط گسترده و صمیمانه‌ای با زحمتکشان روستاهای ده‌ری، نشکاش، هه‌جمنه، ئالمانه، چؤر، نه‌نه، مرگ، شیخه کویره و شارانی و شهروندان شهر مریوان برقرار نمود.

مبارزه و روشنگری او در میان توده‌ها بیشتر شیوه‌ای مخفی و نیمه آشکار داشت. تلاش‌های روتین او در میان رنجبران، تاثیرات مستقیم و انکار ناپذیری بر توده‌ها و خصوصاً جوانان داشت. محصول این فداکاریها و تلاشهای مستمر کاک احمد استقبال جوانان در امر مبارزه و شرکت در مبارزات عدالتخواهانه و صلح طلبانه‌ی جنبش کردستان بود. بپاس قدردانی و تشکر از زحمات معنوی کاک احمد، رنجبران و مردم روستاهای آلمانه و ده‌ری، در راستای درو کردن شبدر و وینجه، جمع‌آوری هیزم جنگل برای سوخت زمستان، خرمن کوبی، درو کردن مزارع جو و گندم و انتقال محصولات کشاورزی به انبارها، خانواده‌ی پدرم را باشکال گوناگون کمک کردند.

موضعی انقلابی و تاریخی!

در پاییز سال ۱۳۵۶ شمسی، نقطه عطفی سیاسی و خردمندانه در مواضع انقلابی و اندیشه و تفکر کاک احمد رخ داد. حاکمیت سیاه و استبدادی ساواک و رژیم شاه و دستگاه‌های جاسوسی بیشمار در کردستان و خصوصاً در مناطق هورامان و مریوان بیداد میکرد و سانسوری بی‌مرز بر همه‌گونه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی سایه افکنده و تحمیل گردیده بود.

در این رهگذر کاک احمد با کاک ناصر مصطفی سلطانی تصمیم و موضعی خردمندانه گرفته و در این راستا تصمیم میگیرند که بطور مخفی برای ادامه‌ی مبارزات سیاسی و اجتماعیشان به تشکیلات اتحادیه‌ی میهنی جنوب کردستان ملحق شوند.

کاک ناصر در این رابطه ارتباط‌هایی بطور مخفی با تشکیلات اتحادیه‌ی میهنی گرفته بود و زمینه‌های لازم را فراهم نموده بود. همزمان در ایران و خصوصاً در کردستان اعتراضات و مبارزات مدنی و سیاسی بر علیه رژیم شاه و ساواک و دستگاه‌های سرکونگر در حال گسترش بوده و روندی بالنده داشت.

این فضا و شرایط مساعد در راستای اهداف هر دوویشان بوده و چنین اتمسفری را سالیانی بود آرزو داشتند . بهمین علت از تصمیم خویش دایر بر ملحق شدن به اتحادیه میهنی را کنار گذاشته و تمام انرژی و ظرفیت های خویش را در خدمت سقوط نظام شاهنشاهی قرار دادند و گذاشتند .

و درتشکل های آندوره و با تمام قدرت در راستای جنبش عادلانه و انقلابی کردستان ، فعال و پیگیر بودند . و در مبارزات سال های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شمسی پیشرو و نستوه و با جسارت تمام شرکت کردند .

در آستانه و در جهت انقلاب مردم ایران !

بعد از انقلاب شکوهمند ایران با توجه به اوضاع اجتماعی و سیاسی شرق کردستان ، کاک احمد در زمینه سازماندهی نیروی مقاومت ملی و بنکهای زحمتکشانش روستای "دهری" فعالانه و پیگیرانه شرکت نمود . سازمان دادن و ایجاد شبکه های اجتماعی در روستاهای مریوان ، بر بطن فعالیت ها و مبارزات گسترده کومه له از خدمات ستودنی و انکار ناپذیر کاک احمد هستند . زمانیکه سپاه پاسداران مناطق را اشغال نمود این شبکه ها ستون فقرات مبارزات و مقاومت های توده ای مردم و نیروی پیشمرگ بودند .

وداع با مبارزات به شیوهی مخفی !

شرایط و اتمسفر آن مراحل از مبارزات شرق کردستان ، که دقیقا شیوهی مبارزات مسلحانه از طرف اشغال گران کردستان بر جنبش انقلابی و صلح طلبانهی کردستان تحمیل شده بود ، مستقیما بر مواضع کاک احمد تاثیر گذار بود . بهمین خاطر و درعمل و ظاهرا و در ارزیابی های سطحی ، مبارزات بشیوه مخفی کم رنگ تر شده بود . و اساسا مبارزات بشیوهی مسلحانه غالب گردید . در این راستا کاک احمد مبارزات بشیوهی نیمه مخفی و مخفی را بسوی مبارزات آشکار ترک کرد .

در بهار سال ۱۳۵۹ شمسی رسما و بطور علنی به صفوف پیشمرگان کومه له پیوست . و در بسیاری از طرح ها و عملیات نظامی شرکت نمود . همهی رفقای کاک احمد بر این واقعیت اتفاق نظر دارند که فعالیت های مخفی و تلاش ها و سازماندهی شبکه های اجتماعی و توده ای کاک احمد در میان زحمتکشانش ، که تجارب گرانبهائی را در آن زمینه اندوخته بود، بدون شک و گمان بمراتب از شرکتش در بخش

نبردهای نظامی مفید تر و کارآمد تر و بنفع جنبش انقلابی کردستان بود . خصلت ها و کاراکتر کاک احمد آرام و باحوصله و متین بود . و درهیمین راستا میتوانست توده های مردم را قانع ساخته و نیروی جنبش انقلابی کردستان را هر روزه تقویت نماید و سازمان دهد .

زندگیش توام با سربلندی و افتخار بود !

خامه شوق وهردهن، دهم مه که رده وه -

زار زار مه نالۆ ، وه دهم ده رده وه !

(مهولهوی)

کاک احمد سرانجام در ادامه ی مبارزات سیاسی و اجتماعی و نظامی کومه له ، در روز ۲۴ اردیبهشت سال ۱۳۶۰ شمسی در نبردی بی امان و گسترده با نیروهای اشغالگر، همراه گردان کاک فوآد در روستای هه جمنه در سی ۳۰ کیلو متری مریوان بخاطر رهائی و دموکراسی و آزادی رنجبران و تهیدستان جان باخت . خبر مرگ و شهادت این عزیز بلافاصله در منطقه پخش گردید و پدر و مادر و اقوام نزدیک و شهروندان مریوان و ساکنین روستا های نزدیک به آلمان ، در محل شهادت حاضر شدند . مردم شریف هه جمنه حماسه افریدند . در آن زمان که چشم راست از چشم چپ، قلم از کاغذ ، روشنائی از تاریکی می ترسید برای ادای احترام به کاک احمد در جائی بنام " کهوشیه ر" که نزدیک روستای هه جمنه واقع گردیده ، مراسم باشکوهی برگزار کردند . جسد کاک احمد با همکاری مردم مبارز منطقه و پیشمرگان گردان کاک فوآد و اقوام به روستای آلمان که در نزدیکی روستای هه جمنه واقع گردیده ، منتقل گردید . بعد از بجا آوردن مراسم سنتی و کلاسیک و باشرکت بخشی از مردم شریف مریوان و روستاهای اطراف و شهروندان ساکن منطقه ، جسد کاک احمد را به گورستان تالّه سوار انتقال دادند . در مراسمی بیاد ماندنی و جاودانه که شایسته ی کاک احمد و پیشمرگان است و با احترام و قدردانی و حرمت فراوان ، جسد او را بخاک سپردند و آرامش ابدی یافت .

بیاد کاک احمد و همه ی عاشقان جان باخته در راه آزادی، گرامی و همیشه

جاویدان است !

نکته‌ای درمورد روستای آلمانه :

آلمانه روستائی است که در مناطق هورامان و مریوان واقع گردیده است . در شرق این روستا کوهستان های "قله بهرد" و "چالو" سر بفلک کشیده اند . مردم شریف آلمانه در جنبش عدالتخواهانه و صلح طلبانه‌ی ملت کرد ، شرکت فعالانه‌ای داشته‌اند . در مجموع و تاکنون در جنبش گسترده‌ی کردستان یازده ۱۱ انسان آزاده و انقلابی در این روستا جان باخته‌اند . صدای آزادیخواهان و جان باختگان آلمانه در گورستان تاله‌سوار، حتی در اعماق گورهای تاریکشان بگوش جهانیان رسیده است ! روستای آلمانه و قبرستان تاله سوار به شیوه‌های گوناگون در ادبیات و اشعار و نثر نویسندگان آزادیخواه و دمکرات ، انعکاس وسیعی داشته است . تراوشات فکری هنرمندان و محصول ادبی و فکری و سیاسی آنها در جنبش رادیکال ملت کرد ثبت گردیده و بخشی از آرشیو مردم کردستان را تشکیل می‌دهند .

اسامی جان باخته‌گان روستای آلمانه بدین قرار است:

- ۱- کاک فایق عزیزی : عضو شورای شهر مریوان .
- ۲- کاک احمد مصطفی سلطانی . معلم
- ۳- کاک محمد نصرالهی که در میان پیشمرگان به محمد آلمانه‌یی شناخته میشد
- ۴- کاک ناصر مصطفی سلطانی معلم بخش میکانیک .
- ۵- کاک جمال اسدی . محصل و در میان پیشمرگان به جمال آلمانه‌یی . 0 شناخته میشد .
- ۶- کاک فواد مصطفی سلطانی ، مهندس رشته‌ی برق ۷- کاک حسین . 1 مصطفی سلطانی . دبیر رشته‌ی ریاضی
- ۸- کاک امین مصطفی سلطانی . آموزگار
- ۹- کاک ماجد مصطفی سلطانی . دانشجوی سال چهارم رشته‌ی پزشکی
- ۱۰- کاک امجد مصطفی سلطانی ، دانشجوی رشته‌ی برق در اورمیه .

۱۱. محمد امینی که در منطقه‌ی ایلام و کرمانشاه و در جنگ ۰ .
مقاومت جان باخت و دشمن جسد او را به خانواده‌اش پس نداده‌است .